



زمره‌های نقل و انتقالات نیم فصل لیگ برتر فوتبال بدجور بالا گرفته است

بمب زمستانی



این روزها بر نامه‌های اینترنتی رقیب تلویزیون شده‌اند

«آبان» می‌خواهد زنانه باشد



آزاده نامداری یک از مجریان پر طرفدار تلویزیون مخصوصاً بین خانم‌ها بود. او هم با اجراهای جوان‌پسند و پرانرژی‌اش حاکم در تلویزیون محسوب می‌شد. با چندین حاشیه مثل ماجرای ازواج و طلاقش که برای خودش درست کرد، خیلی از روزها که او جشنی خاصه گرفت

بالاها از زندگی ششم و هفتم می‌گذرد. این روزها در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، آبان نامداری به دلیل رفتارهای نامناسب و بی‌ادبانه‌اش در شبکه‌های اجتماعی، به دلیل رفتارهای نامناسب و بی‌ادبانه‌اش در شبکه‌های اجتماعی، به دلیل رفتارهای نامناسب و بی‌ادبانه‌اش در شبکه‌های اجتماعی...



هشت روایت امروزی برای شهادت امام حسن عسکری (ع)

مولای طولانی‌ها!

مرد روغن فروش

عده زیادی از شیعیان وجه نقد خمس و زکاتشان را به من سپرده بودند که به دست امام حسن عسکری (ع) برسانم تا امام (ع) با تشخیص خودشان برای جامعه اسلامی هزینه کند. پول مردم پیش من مانده بود و هرچه تلاش کردم نتوانستم با امام عسکری (ع) ارتباط برقرار کنم. امام (ع) در سامرا بود و در پادگان نظامی تحت کنترل حکومت عباسی. بالاخره موفق شدم با چند نفر از نزدیکان امام حسن عسکری (ع) ملاقات کنم و آنها به من قول دادند تا برای رساندن امانت مردم به دست امام (ع) بیاریام دهند. صبح یکی از روزهای پاییزی در خانه‌ام زده شد. در راه که باز کردم مرد روغن فروشی در آستانه در ایستاده بود. پرسیدم: «کاری دارید برادر؟» گفت: «روغن نمی‌خواهید؟ روغن اعلا دارم.» گفتم: «چرا اتفاقاً مدتی است که روغن در خانه‌مان در حال تمام شدن است و قرار بود به همین زودی‌ها به بازار بروم و قدری روغن بخرم، اما باید...» روغن فروش حرفم را قطع کرد و گفت: «می‌دانم باید روغن را امتحان کنی تا از کیفیتش مطمئن شوی پس اجازه می‌خواهم به داخل حیاط خانه بیایم. شما هم ظرفی بیاور تا من قدری از این روغن تازه برایتان در ظرف بریزم و شما امتحان کنید.» مرد روغن فروش را تعارف کردم وارد حیاط خانه شود. ظرفی آوردم و مقداری روغن تازه داخل ظرف ریخت. روغن تازه، خوش‌عطر و طعم بود. رو به مرد روغن فروش کردم و گفتم: «می‌روم ظرف بزرگ‌تری بیاورم، این روغن واقعا تازه و خوب است.» مرد روغن فروش نگاهی به من کرد و گفت: «ظرف بزرگ‌تر را که می‌آوری، امانت مردم را هم بیاور تا به دست امام عسکری (ع) برسانم.» با تعجب نگاهش کردم. تعجبم را که دید لیخندی زد و گفت: «مگر نمی‌خواستید امانتی را که از مردم پیش شماست به دست امام حسن عسکری (ع) برسانید. من عثمان بن سعید از نزدیکان امام (ع) هستم. امانت شیعیان برای امام (ع) را داخل ظرف‌های روغن می‌گذارم و به دست امام (ع) می‌رسانم.»



عنه زبانی از شیعیان وجه نقد خمس و زکاتشان را به من سپرده بودند که به دست امام حسن عسکری (ع) برسانم تا امام (ع) با تشخیص خودشان برای جامعه اسلامی هزینه کند. من عثمان بن سعید از نزدیکان امام (ع) هستم. امانت شیعیان برای امام (ع) را داخل ظرف‌های روغن می‌گذارم و به دست امام (ع) می‌رسانم.

با هر جماعتی به زبان خودشان

ارتباط امام عسکری (ع) با شیعیان سخت بود و حکومت عباسی اجازه دیدار و ملاقات امام عسکری (ع) را با شیعیان نمی‌داد، اما در هر فرصتی شیعیان تلاش می‌کردند خودشان را به ایشان برسانند؛ شیعیانی از سراسر جهان. زیبایی این دیدارها این بود که امام (ع) با هر جماعتی با زبان خودشان صحبت می‌کرد. با هندی‌ها به زبان هندی، با ترک‌ها، به زبان ترکی و با ایرانیان به فارسی سخن می‌گفت.

وداع با پدر

راوی نوشت بعد از اینکه به دستور معتمد خلیفه عباسی امام حسن عسکری (ع) مسموم شد و به شهادت رسید، شیعیان پرسی را دیدند که با سن‌وسال کم برای اقامه نماز بر پیکر پدرش ایستاده بود.



حتی سلام هم نکنید

جمعی از اصحاب تصمیم گرفته بودند هر طوری شده است به دیدار امام حسن عسکری (ع) بروند و او را ببینند. امام (ع) باید روزهایی از هفته به دارالخلافه می‌رفت تا خلیفه بدانند که او از سامرا بیرون نرفته است. اصحاب تصمیم گرفتند در مسیر حرکت امام عسکری (ع) به سمت دارالخلافه، خودشان را به ایشان برسانند و از نزدیک با امام (ع) ملاقات کنند. امام (ع) که از موضوع مطلع شد به اصحابش خبر داد که من هم مشتاق دیدارتان هستم، اما مأموران خلیفه به دنبال شناسایی یاران و اصحابم هستند پس در مسیر حرکت من به سمت دارالخلافه کسی از دوستدارانم به من نزدیک نشود، سلام یا حتی اشاره هم نکنند که در امان نخواهد بود.

ابن الرضا (ع)

امام رضا (ع) که به شهادت رسید، بدخواهان اهل بیت از شهادت امام رضا (ع) در ایران استفاده کردند و هر روز شایعه جدیدی درست می‌کردند. یکی از بزرگ‌ترین شایعه‌هایی که درست کرده بودند پایان امامت شیعه پس از حضرت رضا (ع) بود، اما از آنجایی که امامت شیعه پایان ندارد دوستداران اهل بیت به امام‌های نهم، دهم و یازدهم، ابن الرضا لقب دادند تا نقشه‌های بدخواهان نقش بر آب شود. ابن الرضا یعنی امانت شیعه پس از امام رضا (ع) ادامه دارد.

سلام پدر منجی بشریت!...

بعضی وقت‌ها ما آدم‌ها به کلمات و عبارات عادت می‌کنیم. آن قدر که دیگر روح جریان کلمات را نمی‌توانیم درک کنیم. نه! این تقصیر ما نیست. حتماً شنیده‌اید که مردمانی که کنار دریا زندگی می‌کنند، به دلیل همسایگی با دریا صدای امواج را می‌شنوند، اما درک نمی‌کنند.

به نظرم کلمه «منجی عالم بشریت» از همین دست عبارتهایی است که ما به دلیل اینکه در خانه، کلاس درس، مسجد و هیأت آن قدر شنیده‌ایم، روح جاری در آن را درک نمی‌کنیم. منجی عالم بشریت یعنی تنها کسی که می‌تواند بیاید و همه ما را نجات بدهد. همه ما از مسلمان و مسیحی گرفته تا یهودی و بودایی و حتی آنهایی که خودشان را زیر چتر هیچ مذهبی نمی‌دانند.

منجی عالم بشریت همان آقایمان مهدی موعود (عج) است که می‌خواهیم اینجا از پدر عزیزشان امام حسن عسکری (ع) حرف بزنیم. یک وقت‌هایی از خودم می‌پرسم یک نفر چقدر باید ظرف قلب و روحش بزرگ باشد که پدر منجی عالم بشریت بشود.

سلام مولای تنهایی‌های طولانی... سلام پدر منجی بشریت!...

اتفاق‌های بزرگ ماجراهای عجیبی دارند

همیشه اتفاق‌های بزرگ ماجراهای عجیبی دارند. مادر موسی (ع) فرزندش را در سبد می‌گذارد و به دست رودخانه نیل می‌سپارد و سبد وارد کاخ فرعون می‌شود و آسیه، زن فرعون سبد را از آب می‌گیرد و با اسرار، فرعون را راضی می‌کند تا موسی (ع) را به فرزندش بپذیرند و در خانه کسی که فرمان داده بود همه پسران تازه متولدشده کشته شوند، بزرگ می‌شود.

یوسف (ع) هم که با مکر برادران به چاه انداخته می‌شود سر از خانه عزیز مصر درمی‌آورد. انگار رویدادهای بزرگ باید از دل حوادث عجیب بیرون بیایند. داستان ازدواج امام حسن عسکری (ع) هم یکی از همین ماجراهای عجیب تاریخ است وقتی نرجس، دختر یسوعا، فرزند قیصر روم شرقی بر اساس توصیه‌هایی که در رؤیا به او می‌شود، خودش را به بردگی می‌فروشد تا به همسری حسن عسکری (ع) در بیاید هیچ کس باورش نمی‌شد نتیجه این ازدواج موعود آخرالزمان باشد.

همیشه اتفاق‌های بزرگ ماجراهای عجیبی دارند. مادر موسی (ع) فرزندش را در سبد می‌گذارد و به دست رودخانه نیل می‌سپارد و سبد وارد کاخ فرعون می‌شود و آسیه، زن فرعون سبد را از آب می‌گیرد و با اسرار، فرعون را راضی می‌کند تا موسی (ع) را به فرزندش بپذیرند.



تمرین انتظار

اینکه امام باشی، اما بیشتر عمر را در پادگانی نظامی و تحت مراقبت خلفای عباسی باشی زندگی آسانی نیست. خصوصاً اینکه بسیاری از شیعیان و دوستداران نتوانند به دیدارت بیایند و از نزدیک ملاقاتی داشته باشند، کار انتقال معارف اسلامی و حل مشکلاتشان را دشوار می‌کند. شاید مردم باید یاد می‌گرفتند در شرایطی که امکان دیدار و ملاقات با امام‌شان را ندارند چه باید بکنند. دوران امام حسن عسکری (ع) دوران تمرین بود؛ تمرین غیب، تمرین انتظار و تمرین رسیدن به موعود.



پسته خبری این هفته با کلی خبرهای ورزشی همراه شد تا ورزشی‌ها نشان دهند که هنوز هم پای ثابت خبرهای حاشیه‌ای کشور هستند. این هفته ورزش دوستان «هشت» کلی با این پسته کیف خواهند کرد، پس این شما و این پسته‌ای خبری با دوز بالای ورزشی برای شما هشت خوانان عزیز!

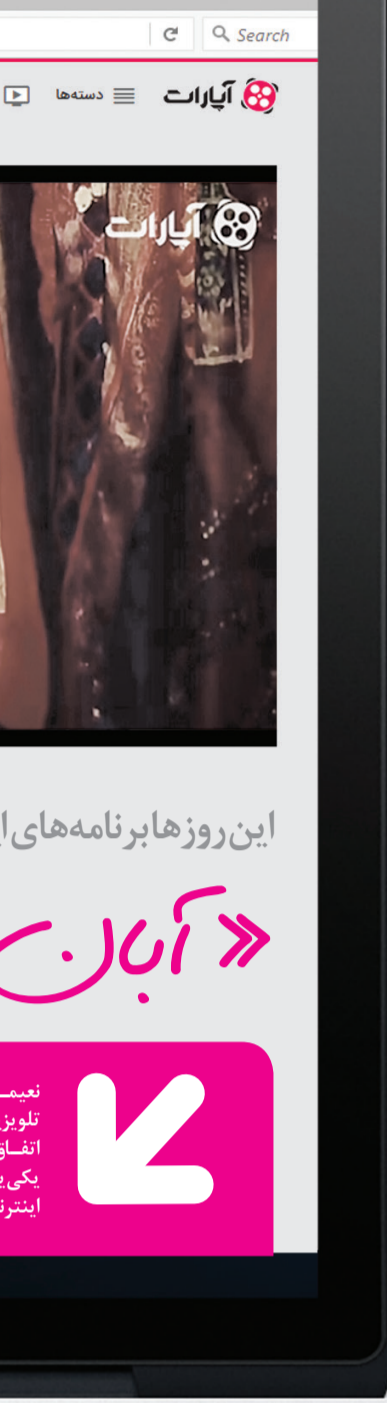
روایت‌های هشت

تکرار موفقیت «دید در شب»

سایت «آپارات» را که همه‌تان می‌شناسید. نمونه داخلی سایت اشتراک ویدیوی یوتیوب که مطابق قوانین کشورمان فعالیت می‌کند. آپارات چندوقت پیش شاید برای اولین بار، برنامه‌های اینترنتی به راه انداخت که مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را گرفته بود، اما چون اینترنتی بود خیلی از محدودیت‌ها یا قوانین صداسیما را نداشت. اسم این برنامه «دید در شب» با مجری‌گری «رضا رشیدپور» بود. دید در شب خیلی زود معروف شد و ویدیوهای مصاحبه رشیدپور با بازیگران و حتی سیاستمدارانی در حد آقای ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان هم‌جا دست‌به‌دست شد. حالا آپارات دوباره تصمیم گرفته این موفقیتش را با برنامه «آبان» و اجرای «آزاده نامداری» تکرار کند.

داستان از چه قرار است؟

آبان تقریباً فضایی مثل دید در شب دارد؛ دکور خاص و تیره، دو صندلی، مجری‌ای که کم سابقه جنجال نداشتند و البته مهمان‌هایی با همین ویژگی که می‌توانند برای برنامه مخاطب جمع کنند. ویژگی برنامه آبان اما زنانه بودن آن است؛ هم مجری یعنی خانم نامداری یکی از مجریان باسابقه تلویزیون است و هم همه مهمان‌ها تا اینجا کار خانم بوده‌اند. خانم «یلوفر اردلان» کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران و خانم گل آسیه، خانم «چیسیتا پتری» نویسنده، «منیژه حکمت» کارگردان و «فلسانه باگان» بازیگر تازه‌حال به برنامه آبان آمده‌اند. حتی لوگوی (نشانه) برنامه هم ترکیبی از کلمه آبان به همراه تصویر زنی با پوشش دوران قاجار است که چادر و پوشیه دارد. آبان هر شنبه ساعت هشت روی سایت آپارات قرار می‌گیرد و شما می‌توانید هم آن را آن‌لاین تماشا کنید و هم دانلود کرده و ببینید.



این روزها برنامه‌های «آبان»



آقای آسیا!

خب بگذارید خبرها را با مراسم بهترین‌های آسیا شروع کنیم. جایی که کشورمان ایران تنها توانست عنوان بهترین بازیکن فوتبال آسیا را کسب کند و نماینده‌های بین‌المللی‌ها نداشت، اما این عکسی که می‌بینید، جناب «عمر عبدالرحمن»، بازیکن اماراتی تیم العین است که توانست آقای فوتبال آسیا در سال ۲۰۱۶ شود. بازیکن خوش تکنیکی که بعد از کسب جایزه با پیشنهاد عجیب‌وغریب تیم الهلال عربستان روبه‌رو شد. الهاللی‌ها برای عبدالرحمان ماهی ۸۵۰ میلیون تومان دستمزد در نظر گرفتند تا در صورت انتقال، بازیکن اماراتی را به گران‌ترین بازیکن آسیا تبدیل کنند.

رحمتی در حاشیه



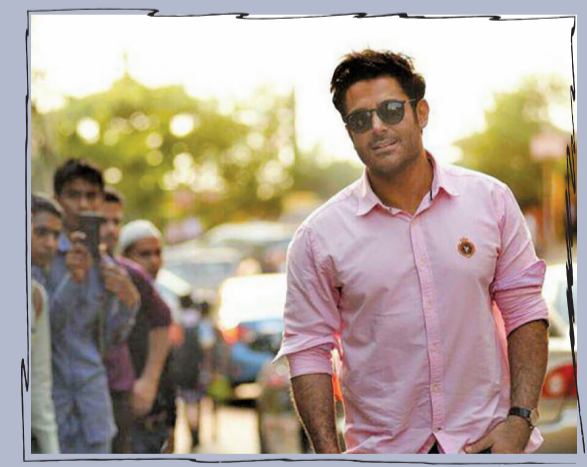
در حالی فردا «سید مهدی رحمتی» باید یکی از حساس‌ترین بازی‌های فصلش را برای استقلال مقابل تراکتورسازی بازی کند که هفته گذشته با کلی حاشیه پیرامون محرومیتش همراه شده است. همه‌چیز از عکسی شروع شد که جناب رحمتی و سه بازیکن دیگر استقلال در اردوی پیش‌فصل آبی‌ها در ارمنستان گرفته بودند. عکسی که در آن هواداری ایرانی با لباس غیرمتعارف با فرهنگ ایرانی در آن حاضر شده بود، هر چند محرومیت رحمتی با حرف‌هایی که در برنامه «نود» و رسانه‌های دیگر زده شد به کلی لغو شد. ولی همچنان این سؤال باقی ماند که دقیقاً رحمتی هنگام مواجهه با این هوادار باید چه کاری می‌کرده و اینکه سه بازیکن دیگر استقلال چرا تهدید به محرومیت نشدند!

آخ‌چوون تعطیلی

آذر		November - December 2016	
شماره ۱۸۳		شماره ۱۸۳	
شنبه	۲۶	۱۵	۳
یکشنبه	۲۷	۱۴	۴
دوشنبه	۲۸	۱۳	۵
سه‌شنبه	۲۹	۱۲	۶
چهارشنبه	۳۰	۱۱	۷
پنج‌شنبه	۳۱	۱۰	۸
جمعه	۱	۹	۹

یعنی همین که ما داشتیم وسایل‌مون را برای سفری مشت‌به شمال کشور آماده می‌کردیم، یکدفعه با اطلاعیه شورای نگهبان ضدحال اساسی به ما وارد شد. طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی، روز آغاز امامت حضرت ولی‌عصر (عج) به تعطیلات رسمی کشور اضافه شد، ولی همین که ما کمی لیخند رضایت به لب‌مان آمد، شورای نگهبان اطلاعیه داد که دوستان عزیز تا مصوبه مجلس به تصویب ما نرسد که اجرایی نمی‌شود. همین شد که متوجه شدیم باید برای سفر به شمال یک سال دیگر صبر کنیم، بالاخره دو روز پشت سر هم تعطیل که شوخی نیست، والا.

سلام گیشه



سال ۱۳۹۵ را باید سال رکوردشکنی سینمای ایران دانست. همین که می‌خواهیم نام فیلمی را به عنوان پرفروش‌ترین فیلم سال ثبت کنیم، باز یکی می‌آید و روی دست آن بلند می‌شود. «سلام بمبئی» که با «محمد رضا گلزار» و ستارگان هندوستانی‌اش دوازده میلیاردی شد، حالا بدجور دورخیز کرده است که بتواند رکورد فروش «فرشنده» را بشکند و نامش را به عنوان پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران ثبت کند. راستش را بخواهید با این روند فروش فیلم، بعید نیست که این اتفاق بیفتد.

دیوالگ هفته

سرهنگ علیفر: تیم‌های ناکام لیگ، نیمکت‌تان را بسپارید به من. هنر در فوتبال روز دنیا یعنی منظم دفاع کردن را نه تنها به تیم خود که به فوتبال ایران خواهیم آموخت.

بازم ابل اول شد



یک بار دیگر سیستم‌عامل آی‌اواس سیستم‌عامل اندروید را شکست داد. تک‌رادار با تست سرعت روی برترین گوشی‌های عرضه‌شده سال ۲۰۱۶ سریع‌ترین را انتخاب کرد. این انتخاب بدون دخالت انسانی بوده و براساس باز شدن سریع آپ، سرعت باز شدن گیم، ادیت ویدیویی و لوذ کردن فایل گرافیکی سه‌بعدی بوده است. در نتیجه آیفون ۷ با یک دقیقه و ۱۱ ثانیه سریع‌ترین و سونی اکسپریا ایکس زد با ۳ دقیقه و ۶ ثانیه در رده ششم قرار گرفتند. در این مقایسه بیکسل فون گوگل دوم، گلکسی اس ۷ سوم، اچ‌تی‌سی ۱۰ چهارم و جی ۵ ال‌جی نیز پنجم شد.

«آناستازی» در سرزمین عجایب



بعد از اینکه جناب «ولاسکو» یکدفعه تصمیم به خارج شدن از کشور و ترک نیمکت تیم ملی والیبال را گرفتند، این نیمکت رنگ آرامش ندید که ندید! حالا بعد از برکناری لوزانو بار دیگر رئیس فدراسیون دست به تلفن شده است تا بتواند یک مربی تراز اول دنیا را به ایران بیاورد. این همه گزینه‌ها به نظر می‌رسد جناب «آناستازی» که همیشه گزینه مربیگری تیم ملی بوده است، شانس بیشتری برای انتخاب دارد؛ البته «استویچف» بلغاری هم حساسی مطرح است. آیا با انتخاب مربی جدید، آرامش به ساحل والیبال کشور برمی‌گردد؟ بعید می‌دانم.

خداحافظ بابک



اینم از عکس بابک‌خان زنجانی که بعید می‌دانم با توجه به تأیید حکم اعدامش، دیگر بتوانیم روی ماهش را خندان ببینیم. یکی از اخبار پرسروصدای این هفته، تأیید اعدام میلیاردی بود که تا دل‌تان بخواهد در دهه اخیر فعالیت اقتصادی متفاوت داشت؛ از دلال نفت تا تیم‌داری در لیگ برتر فوتبال و البته تهیه کنندگی در سینما! به هر حال هرچه بود، احتمالاً باید شاهد بسته شدن پرونده پدیده اقتصادی ۱۰ سال اخیر کشور باشیم!

سجاد زین

این روزها و «سجاد شهپاز» بوده و هست، او قید حضور در اس این تیم راز و تو ترکیه، تا برای بین ستارگان دست‌وپا کند، او تا به اینجای سکونشینی بود به آلابیا اسپور امید که روزی لیگ‌های بهتر نقل‌مکان کند، تلخ‌تر از تصور که به نیم‌فصل تعداد دقایقی کرده به زحمت، اما سجاد هنوز نمایش نه‌چندان مهاجمان جایگزین، وارد است، بهتر حضور او در جم

«سروش رفیعی» شاه‌ماهی کجا می‌رود؟

بدون تردید گل سرسید بمب‌های نقل و انتقالات هافبک شیرازی تیم تراکتورسازی است. بازیکنی که این روزها به‌تنهایی تصور نقل و انتقالات را از چندین هفته مانده به آغاز موعد مقرش روشن کرده است. داستان «رفیعی» پیچیده‌تر از آنی است که تصورش را بکنید؛ خدمت سربازی او به‌زودی تمام می‌شود، «قلعه‌نویی» راضی به از دست دادنش نیست، پرسپولیس مدت‌هاست به دنبال خریدن اوست و فولاد ادعا می‌کند رفیعی هنوز با آنها قرارداد دارد. در این بین صحبت تیم‌هایی مثل استقلال هم به وجود آمده بود که البته با حرف‌های «منصوریان» معلوم شد که به‌کلی قید این بازیکن رازده است. در کنار همه این‌ها روایاتی هم وجود دارد مبنی بر اینکه خود سروش برای اینکه بتواند در تیم ملی جایگاه ثابتی برای خودش دست‌وپا کند به دنبال لژیونر شدن است. چند تیم قطری، مشتری دست‌به‌دست بازیکن تکنیکی تیم ملی هستند تا او را با خودشان به حاشیه خلیج فارس ببرند.

«آندو تیموریان» باز پس گیری پیراهن تیم ملی

انتخاب ماشین‌سازی از همان روز اول از سوی «آندو» عجیب بود. خیلی‌ها تصور نمی‌کردند او به تیمی برود که تازه لیگ برتری شده است، اما بازیگری نسبتاً خوب تیم «رسول خطیبی» و قول بازویند و پیش‌پرداخت چرب و نرم، آندو را مجاب کرد تا سبزه‌پوش شود، اما اوضاع اصلاً خوب پیش نرفت. کاپیتان تیم ملی با ماشین‌سازی قهرنشین شد و ماجرا به جایی رسید که او پیراهن تیم ملی را بعد از چند سال از دست داد. حالا او به صرافت تغییر پیراهن افتاده است تا بتواند حداقل خودش را به فهرست هجده‌نفره تیم ملی وارد کند. آندو دلش برای پایتخت تنگ شده و شاید به‌زودی راهی تهران شود.

نامداری و فاصله از روزهای اوج

آزاده نامداری یکی از مجریان پرطرفدار تلویزیون مخصوصا بین خانم‌ها بود. او که با اجرای جوان‌پسند و پرانرژی‌اش حسابی در تلویزیون گل کرده بود، با چندین حاشیه مثل ماجرای ازدواج و طلاقش که برای خودش درست کرد، خیلی از روزهای اوجش فاصله گرفت و مدت‌هاست که در تلویزیون هم برنامه‌ای ندارد. نامداری در آبان خیلی سعی می‌کند مثل رضا رشیدپور در دید در شب باشد. رشیدپور خوب می‌توانست با سؤال‌هایش معج‌مهمان‌هایش را بگیرد و آنها را مجبور به جواب دادن به سؤال‌هایش کند، اما نامداری نه تنها در این کار موفق نیست بلکه انگار تا حد زیادی از تسلط خودش روی اجرا را هم از دست داده و با جملات کلیشه‌ای (کلماتی که زیاد استفاده می‌شوند) تندتند و بدون هدف از مهمانش سؤال می‌پرسد.



تلویزیون در برابر اینترنت

در کل پایین آمدن کیفیت برنامه‌های تلویزیون در این سال‌ها باعث شده تا هم استفاده از اینترنت و دیدن فیلم‌های به‌روز و آرشیوی (ذخیره‌شده) بیشتر شود و هم سروکله برنامه‌های بیشتری مثل دید در شب و آبان که سرگرم‌کننده هم هستند، پیدا شود. حالا یا تلویزیون باید همتی کند و دوباره به روزهای خوبش که همه را دور خودش جمع می‌کرد برگردد یا باید یک نفر پیدا شود و وظیفه سروسامان دادن به محتوای برنامه‌های اینترنتی را بر عهده بگیرد.

www.aparat.com/v/ymBRo

آزاده نامداری یکس از مجریان پرطرفدار تلویزیون
مخصوصا بین خانم‌ها بود. او که با اجرای جوان‌پسند و پرانرژی‌اش حسابی در تلویزیون گل کرده بود، با چندین حاشیه مثل ماجرای ازدواج و طلاقش که برای خودش درست کرد، خیلی از روزهای اوجش فاصله گرفت.

سایت آپارات از محصولات شرکت «صبا ایده نوین» است. این شرکت محصولات آشنای دیگری مثل سایت «کلوب»، سرویس ساخت ویلاگ «مهمین بلاگ»، سایت دانلود فیلم «فیلیمو»، سایت اشتراک عکس «لنزور» و... هم دارد. خود سایت آپارات هم، قسمت دیگری به اسم «آپارات کودک» دارد که پر از پویانمایی و فیلم‌های مناسب کودکان است. آپارات را می‌توانید با استفاده از سایت بازار روی تلفن همراه‌تان هم نصب کنید.

آیا «آبان» ضدمرد است!

آزاده نامداری در شروع قسمت دوم برنامه می‌گوید که «برنامه آبان تنها برای خانم‌هاست؛ البته خیلی دوست داریم که آقایان هم آن را تماشا کنند، اما در این برنامه درباره دغدغه خانم‌ها با هر سلیقه و تفکر و عقیده‌ای صحبت می‌کنیم». شاید برای قضاوت هنوز زود باشد، اما آبان تا اینجا کار نشان داده که قصد ندارد درباره همه خانم‌ها با هر عقیده و تفکری صحبت کند. بیشتر مهمان‌های این برنامه تا اینجا خانم‌هایی بوده‌اند که اختراشان نداشتن ویژگی‌های زنانه، ایستادن در مقابل مردان، گرفتن حق‌شان از مردان و موضوعاتی این‌شکلی بوده است!

ترندهای جذب مخاطب

هر جامعه‌ای ارزش‌هایی دارد که برایش محترم است و مردم آن جامعه به آن ارزش‌ها عمل می‌کنند و معتقد هستند؛ البته همیشه زیرا گذاشتن بعضی از این ارزش‌ها برای عده‌ای جذاب است؛ مثل دست‌اندر کاران آبان! این برنامه با اینکه مجوز وزارت ارشاد دارد، اما مثل سینما نظارتی روی پوشش مجری و بازیگران ندارد. در این برنامه می‌شود درباره بازیگرانی که از نظر اخلاقی مشکل دارند یا مجرم امنیتی هستند هم حرف زد و حتی از آنها و کاری که انجام داده‌اند طرفداری کرد؛ البته این اتفاق در برنامه دید در شب هم می‌افتاد. مجری و سازندگان برنامه با صحبت و طرفداری از کسانی که ارزش‌های جامعه را نادیده گرفته‌اند دنبال جذب برنامه و جذب مخاطب برای خودشان هستند، به طوری که مثلا ویدیوی این قسمت‌های برنامه به صورت بریده‌شده بین همه دست‌به‌دست بشود! وزارت ارشاد به عنوان کسی که به این برنامه مجوز می‌دهد باید حواسش جمع تر باشد!

بزرگترین‌ها

جستجو ویدیوهای رویداده، شخصیت‌ها و ...

آزاده نامداری

۲۵۲

بیترنتی رقیب تلویزیون شده‌اند

«می خواهد زنانه باشد»

به موحد! اگر چند سال پیش کسی می‌گفت که در آینده قرار است شبکه‌های اینترنتی جای سون را بگیرند، احتمالا خیلی از ما این حرف را جدی نمی‌گرفتیم، اما حالا چند سالی است که این افتاده و همان‌طور که کم‌کم دیگر خبری از روزهای پررونق تلویزیون نیست، شبکه‌های اینترنتی یکی خودشان را نشان می‌دهند. بیا بیاید این هفته با هم سری به یکی از برنامه‌های تازه‌تأسیس تری به اسم «آبان» بزنیم.

شهباززاده
م بک

این ماه‌ها برای «آده» فراتر از کاپوس با کلی امید و آرزو استقلال و شماره ۱۰ رفت در پلیسوی خودش اسمی آن لیگ ولی سهم ای کار تنها ده و پس. او رفت به این به تیم‌ها و با کیفیت تر ، اما واقعیت همگان بود. حالا نزدیک می‌شویم به شهباززاده بازی سه‌رقمی می‌شود، زور راه برگشت دارد. بدان امیدوار کننده بین او در استقلال و خط حمله آبی‌ها برین بهانه برای ع استقلال‌هاست.

همه را شوکه کند
تصمیمی که ممکن است مدافعی که تا دو، سه سال پیش آرزوی همه تیم‌های لیگ برتری بود حالا تیم ندارد. نیم‌فصل نزدیک است و باید دید «هادی عقیلی» چه تصمیمی می‌گیرد. باز هم می‌خواهد به لجبازی‌اش با سپاهان و «عبدالله ویسی» ادامه دهد یا سرانجام تصمیم نهایی‌اش را می‌گیرد: تصمیمی که حتی ممکن است همه را شوکه کند. هادی عقیلی احتمالا اگر در نیم‌فصل برای خودش تیمی دست‌وپا نکند، به دنبال خداحافظی از فوتبال می‌رود!

رحیم زهیوی
شوق سرخابی

فانتزی شماره یک این روزهای فوتبال ایران به‌شدت به دنبال جدایی از استقلال خوزستان است. شماره ۱۰ قانج لیگ پانزدهم، با کلی تخفیف راضی شد بپراهن این تیم را در لیگ شانزدهم ببوشد، اما بدقولی‌های مالکان این باشگاه، او را به سستوه آورده و حالا ورد زبان «رحیم زهیوی» این شده که قصد جدایی دارد. رحیم، پیشنهادهای فوق‌العاده‌ای از پرطرفدارهای تهرانی دارد و بدش نمی‌آید قبل از سی‌سالگی بپراهن یکی از این دو تیم را ببوشد و تکنیکش را خرج هواداران پر تعداد آنها کند. پرسپولیس که بعید است، ولی استقلال تهران می‌تواند مقصد احتمالی بازیکن گلزن خوزستانی باشد.

علیرضا حقیقی
علاقه‌مند به اروپا یا ناچار به بازگشت

جدایی قریب‌الوقوع از مارتیمو باعث شد تا «حقیقی» با وسواسی که در انتخاب تیم دارد، بدون تیم بماند. حالا نزدیک زمستان است. علیرضا تمرینات شخصی‌اش را انجام داده، اما این بدون تیم بودن به قیمت از دست دادن پیراهن یک تیم ملی برایش تمام شد. او باز هم به دنبال جبران است. اولویت اول دروازه‌بان اسبق پرسپولیس حضور در فوتبال اروپاست، اما این احتمال وجود دارد که اگر پیشنهاد دندان‌گیری به دستش نرسید هوای وطن به سرش بزند و سر از یکی از تیم‌های پرطرفدار شهرستانی دریاورد که درون دروازه‌شان، زیاد اطمینان خاطر ندارد. حقیقی باز دیگر به ایران برمی‌گردد؟

احمد نوراللهی
در جست‌وجوی فرصت بازی

کشف «علی دایی» خیلی زود با آن استایل فوق‌العاده و معصومیت شهرستانی‌اش، در دل هواداران پرسپولیس برای خودش جا باز کرد. «نوراللهی» فصل فوق‌العاده‌ای را پشت سر گذاشت و انتظار داشت شانزدهمین دوره لیگ برتر برایش چندین برابر بهتر باشد، اما نمایش مثال‌زدنی لوزی «کامیابی‌تسا»، «مسلمان»، «احمدزاده» و «عالیشاه» او را به نیمکت تبعید کرد. احمد بازی نمی‌کند و این اصلا باب میل او نیست. این بازیکن می‌تواند هر زمان که دلش خواست خودش را سر باز کند و از پرسپولیس جدا شود. بدون تردید این بازی نکردن‌ها، به ضرر شماره ۸ دوست‌داشتنی سرخ‌پوشان تهرانی تمام می‌شود. «برانکو» می‌گوید که خواهان حفظ نوراللهی است، ولی تجربه نشان داده است که همه چیز در پرسپولیس مطابق میل پرفسور پیش نمی‌رود.

بمب زمستانی
زمزمه‌های نقل و انتقالات نیم‌فصل لیگ برتر فوتبال بدجور بالا گرفته است

علیرضا گراتی‌پایه امروز و فردا که مسابقات هفته‌سیزدهم لیگ برتر برگزار شود، تنها دو هفته تا پایان نیم‌فصل اول باقی می‌ماند و این یعنی آغاز نقل و انتقالات زمستانی برای تیم‌های لیگ برتر. چند هفته‌ای است که شایعات پیرامون انتقال بازیکنان مختلف به تیم‌های مطرح لیگ زیاد است. بازیکنانی که هر کدام برای خودشان اسم و رسمی دارند و به نوعی بمب نقل و انتقالات زمستانی لقب می‌گیرند. در ادامه سعی کردیم نگاهی بیندازیم به همه بازیکنانی که احتمال تغییر باشگاه‌شان در نیم‌فصل کم که نیست، خیلی هم زیاد است.



آینه‌های لطف تو تکثیر کردند
در چشمه دل اشک‌های بی‌صدرا را
آقا کنار پنجره فولادت آخر
می‌گیرم از دست برات کربلا را

ای زائران اینجا دخیل غم ببندید
بر آستانش ندبه «آقا بیا» را
پایین پای تو غباری می‌سراید
شعر کرامات نگاه کیمیا را

یوسف
رحیمی

درددل به زبان شعر
از دوستان هشتایی

ستونی بود در اینجا ستون
هشتایی ها
یهو شدیم بی‌خبر از این ستون
دربدر
ما همه خواهانشیم، خواهان
کل کل ها شیم
چون نداریم ما مالی، خواننده‌شیم
جلالی
ستون‌جونم کجایی، کی پیش ما
می‌آیی
ستونو که جمع کردین، جایزه‌شم
خرج کردین

دلم پر از شما، خالق هشتایی‌ها!!!
توقع داریم که ما باشیم راضی از
شما!!!!

از نبود این ستون شاعر شدیم
خداجون

با حجم این پیام‌ها توقع رفته بالا
ستون نیاد روی کار، می‌شین شماها
بیکار

اینا همش مزاحه، واسه تغییر حاله
یه وقت نشین ناراحت هشتایی‌های
باغیرت

خدا باشه یارتون، حافظ و همراhton

دو همکار شاعر... پشایی و جعفری
(نماینده ستون + همکار جدید)



الهی! به تو بنا می‌برم از شیطانی که زیر
زبانم پنهان کرده‌ام، از کلمات سرگردانی
که از بهشت برگشت خورده‌اند و از
سایه‌های رنگ‌پریده اعمال‌مان در غیبت
روشنایی ایمان...
الهی! چیست در شیرینی این زهر که
در جام ما ریخته و کیست این زندگی
را نقاب زده و مرگ می‌فرود قلب‌های
ما را؟
بارالها! آینه‌ای روشن کن در این شب
تا بیدار شویم از خویش‌ت تاریک‌مان تا
نلغزیم اعماق بی‌بازگشت اعمال‌مان را...
آمین یا رب العالمین...

إِنَّ هَمَمَنَا بِفَاحِشَةٍ سَخَعَتْهَا عَلَيْنَا، وَ إِنْ
هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ بَطَّنَا عَنْهُ، يَتَعَرَّضُ
لَنَا بِالشُّهَوَاتِ، وَ يَنْصَبُ لَنَا بِالشُّهَاتِ، إِنْ
وَعَدْنَا كَذِبًا، وَ إِنْ مَنَّا أَطْفَانًا، وَ إِلا تَصْرَفُ
عَنَّا كَيْدُهُ يُمَلِّئُنَا، وَ إِلا تَقَاتَا خَيْالَهُ يَسْتَوْتَنَا.

چون به کار زشت و رسوایی همت
گماریم (شیطان) تشجیع‌مان می‌کند و
چون به کار شایسته‌ای رو آوریم ما را از
آن باز می‌دارد، ما را به گناهان و شهوات
آوده می‌خواهد و به پیروی از شهوات
اشاره می‌کند. اگر ما را وعده‌ای دهد
دروغ می‌گوید و اگر به آرزوها سرگرم‌مان
کند، خلف می‌کند و اگر مکرش را از ما
نگردانی ما را گمراه می‌کند و اگر از فساد
او نگاه‌مان نداری ما را می‌نلغزاند.

فرازهای ششم و هفتم
دعای ۲۵ صحیفه سجاده
برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی

تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، کار پیدانی کنند

سواد داریم، کار نداریم!

می‌دانم که دو روز بیشتر از روز دانشجو نمی‌گذرد و شما نوجوان‌ها به‌خصوص نوع دبیرستانی‌تان
الان همه فکر و ذکر تان قبول شدن در دانشگاه است، اما واقعیت‌هایی هم وجود دارد که
باید با آنها آشنا شوید: مثلاً اینکه به هزار و یک دلیل (شاید روزی در گزارش
مفصلی از این دلایل برایتان گفتیم) سال‌های زیادی است که عده زیادی
از دانشجویها وقتی از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند، کار پیدا
نمی‌کنند.



بیکاری مشکل درست می‌کند

به گفته جامعه‌شناسان، جرم در جامعه ارتباط مستقیمی با بیکاری
دارد. وقتی جوانان نیازمند درآمد هستند و شغل مناسبی برای
آنها وجود ندارد به‌ناچار به شکل غیررسمی دنبال کسب درآمد
می‌روند و ممکن است در این راه مرتکب جرم هم شوند و این
نگرانی وجود دارد که کم‌کم جوانان کشور به این‌گونه مشاغل
عادت کنند و از آن‌طرف به اقتصاد کشور هم ضربه بخورد. از
طرف دیگر، بیکاری جوانان، کاهش آمار ازدواج آنها و افزایش
مشکلات اجتماعی و فرهنگی را به دنبال دارد و همه این مشکلات
دست‌به‌دست هم می‌دهند و در نهایت مشکلات زیادی را برای
خانواده‌ها به وجود می‌آورند.

وزارت کار می‌گوید
که به‌زودی ۴ میلیون
هزار نفر دیگر
به جمعیت جویای کار
افزوده می‌شوند. این
در حالی است که بازار
کار و اشتغال ایران
حتی برای ۷۷۵ هزار
تحصیل‌کرده دانشگاهی
هم جا ندارد!

خودمان به فکر باشیم

شاید اولین راهی که برای حل این
مشکل به ذهن‌مان برسد این است که
مسئولان مشکل اشتغال را حل کنند.
این درخواست درستی است، اما رسیدن
به جایی که همه فارغ‌التحصیلان بتوانند
شغل دلخواه و مورد علاقه خود را پیدا
کنند هم سخت است و هم وقت‌گیر.
پس تکلیف آنهایی که زمان زیادی
تا دانشجو شدن‌شان باقی نمانده
چیست؟ شاید بهتر باشد در انتخاب
رشته دانشگاهی و دانشگاهی که قبول
می‌شویم دقت کنیم و فقط دانشگاه
رفتن برایمان مهم نباشد. خودمان هم
می‌دانیم که نباید از بعضی رشته‌ها و
بعضی مدرک‌ها انتظار موقعیت شغلی
داشته باشیم. از طرف دیگر اگر کار کردن
و کسب درآمد برایمان خیلی مهم است
(مخصوصاً اگر پسر باشیم) راه‌حل‌های
جایگزینی مثل یاد گرفتن یک حرفه در
مرکز معتبر فنی‌حرفه‌ای را هم امتحان
کنیم! کاری که خیلی از فارغ‌التحصیلان
دانشگاه بعد از چهار یا شش سال درس
خواندن آن را انجام می‌دهند!

شیر بهتر با شیر در انتخاب
رشته دانشگاهی و دانشگاه
که قبول می‌شویم وقت
نییم فقط دانشگاه رفتن
برایمان مهم نباشد



شماره تلگرام: ۰۹۳۶۴۰۳۷۴۱۰۰
شما می‌تونید گوشی تلفن‌خونه‌تون
رو بردارید و به روزنامه زنگ بزنید و
نظرتون رو درباره مطالب بگید. حتی
می‌تونید بگید جای چه مطالبی در
«هشت» خالیه یا کدوم مطلب بدرد
نمی‌خورد! اگه حوصله صحبت کردن
هم ندارید این امکان رو دارید یا به
دونه پیامک نظرتون رو درباره «هشت»
اعلام کنید.
تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۱۰۰۸۶
شماره پیامک: ۳۰۰۴۵۶۷

به علائق دیگران احترام بگذارید...
ناصر جون! دیشب بازی اسپانیا رو دیدی؟
من مثل شما فرومایگان، ظاهر بین نیستم.
به خاطر پاسداشت فلسفه، هوادار
تیم ملی چوگان موزامبیک می‌باشم!!!

زنگ زدم به مامانم پرسیدم: شام چی داریم؟
گفت: بقیه ناهار امروز.
گفتم: ناهار امروز چی بود؟
گفت: همون شام دیشب.
ترسیدم ادامه بدم برسم به نورو...
پسر تنبل‌خان
تقریباً سه سال طول می‌کشه تا انسان حرف زدن یاد بگیره...
ولی یک عمر طول می‌کشه تا یاد بگیره حرف نادرست نزنه.
استاد بزرگ
بچه که بودم یه بار اشتباهی دوتا نون اضافه گرفتم و از فرداش هی مجبور شدیم اول بیات‌ها رو
بخوریم و این طوری هفت سال نون تازه نخوردیم.
خسیس‌خان
عجیبه می‌ری سر کار خسته می‌شی، نمی‌ری سر کار خسته می‌شی، می‌شین خسته می‌شی
و ایمیستی خسته می‌شی.
تنبل‌خان
آرامش نداشته باشی کار نمی‌تونی بکنی، کار نتونی کنی پول درنیاری، پول نتونی در بیاری
زندگی نمی‌تونی کنی. پس اول از همه برای آرامشت بجنگ.
استاد بزرگ

هشتکو
«هشتکو» جایی برای خندیدن، شاد بودن و
حرف‌های خوش مزه زدن است.
یه بار واسه یه بنده خدایی «الگو» شدم...
کلا زندگی‌اش با خاک یکسان شد...
از اون به بعد تصمیم گرفتم همون «درس عبرت» بمونم.
آقای همساده
دیشب داداشم تو خواب هذیون می‌گفت و جیغ می‌کشید...
رفتم اتاق می‌بینم بابام بالا سر شه!
می‌گم خوب بیدارش کن!
می‌گه بذار کابوسشو ببینه
این همه پول دی.وی.دی می‌ده فیلم ترسناک می‌گیره،
بذار سه بعدیشم ببینه.
پسر آقای همساده
شام مهمون بودیم، سر سفره به بابام می‌گم، اون پارچ آب رو می‌دی؟
زد پس کله‌ام، نزدیک بود سرم بره تو بشقاب!!
می‌گم چرا می‌زنی؟
می‌گه: آب که خونه خودمونم هست...
چوجه بخور!!!!
پسر خسیس‌خان